

به نام خداوند جان و خرد

# **حل مشکلات مردم کلید پولدار شدن شما**

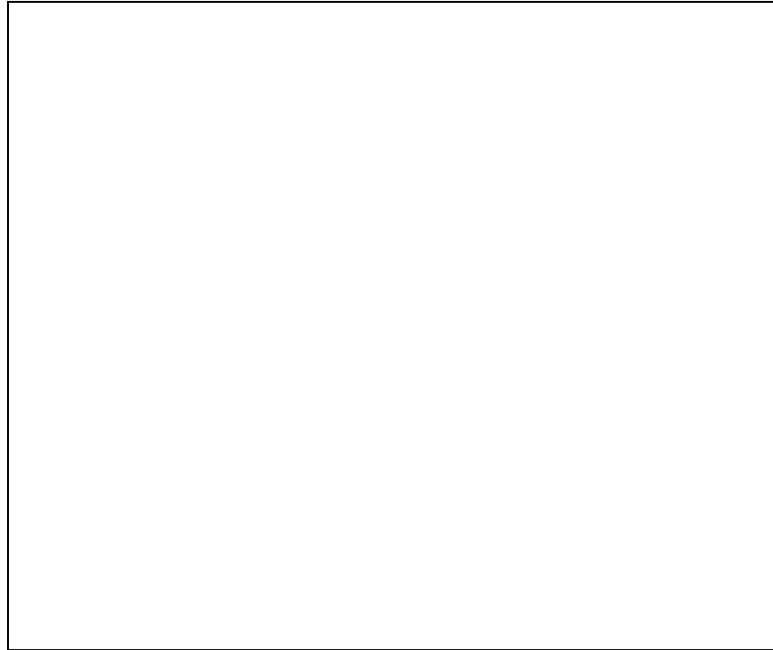
نویسندگان:

رابرت کیوساکی

مترجم و گردآورنده:

ابوالفضل طاهریان ریزی





### «حل مشکلات مالی مردم کلید پولدار شدن شما»

● نویسندگان: رابرت کیوساکی ● مترجم و گردآورنده: ابوالفضل طاهریان ریزی  
● ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: اول ● سال چاپ: ۱۴۰۰ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد  
● قیمت: تومان ● تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● چاپ: اسلامی  
● شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۱۴۸-۵ ● شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۱۴۹-۲

---

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱  
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ [www.Taherianpress.com](http://www.Taherianpress.com)

با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۰۷۰۸۷-۱۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

## فهرست

- فصل ۱: دوری از ۳ ریسک بزرگ سرمایه‌گذاری..... ۷
- فصل ۲: چرا نسل امروزی یک ورشکسته مالی است؟..... ۱۷
- فصل ۳: چگونه جلوی تنبلی خود را بگیریم؟..... ۲۷
- فصل ۴: ترس از سرمایه‌گذاری در بین زنان..... ۳۷
- فصل ۵: ۸ تفاوت زن و مرد در تجارت و سرمایه‌گذاری..... ۴۷
- فصل ۶: ۳ نوع درآمدی که بر ثروت شما تأثیر می‌گذارد!..... ۵۹
- فصل ۷: چگونه در عصر ربات‌ها زنده بمانیم؟..... ۷۱
- فصل ۸: سرمایه‌گذاری واقعی چیست؟..... ۸۳
- فصل ۹: هوش مالی: کلید یافتن پول در جایی که دیگران فکرش را هم  
نمی‌کنند..... ۹۵



## مقدمه

شروع کرونا در ماه‌های اخیر تأثیرات مخرب زیادی بر اقتصاد جهان گذارده است به طوری که بسیاری از مشاغل دچار نابودی شده‌اند. ولی در همین شرایط به ظاهر آشفتۀ اقتصادی کم نیستند افراد و شرکت‌هایی که دچار بحران مالی نشده‌اند بلکه همگان شاهد پیشرفت‌های زیادی در درآمدهای آنها بوده‌ایم.

از اینرو رابرت کیوساکی به همراه همسرش خانم کیم کیوساکی با طرح مطالب جدیدی مثل مشکلات اقتصادی نسل امروزی، ریسک‌پذیری، دوری از تنبلی مالی و بهانه جویی و ... نهایتاً استفاده از فرصت حل مشکلات مردم در سراسر دنیا برای ثروتمند شدن در این کتاب سعی دارند تا پنجره‌ای تازه از سواد و هوش مالی مبتنی بر مهارت‌های مالی در پیش روی شما باز کنند.

امیدواریم از این کتاب نیز همانند دیگر کتاب‌های رابرت لذت برده و از راهکارهای آن در جهت رفع مشکلات مالی جامعه و دستیابی به موفقیت مالی در دوران بیماری کوید ۱۹ بهره ببرید.

**پیروز و سربلند باشید**

**انتشارات طاهریان**

---

«یادداشت»

## فصل ۱

# دوری از ۳ ریسک بزرگ سرمایه‌گذاری

اهمیت آموزش، کنترل و دانش برای محدود کردن ریسک  
سرمایه‌گذاری شما



بسیاری افراد به خاطر ترس از ریسک سرمایه‌گذاری، خیلی زود خاموش می‌شوند. وقتی من بزرگ می‌شدم، این رویه پدر بی‌پول من بود. از آنجا که او برای راحتی و امنیت ارزش قائل بود، فکر می‌کرد که

افراد باهوش به جای سرمایه‌گذاری، باید شغل خوبی پیدا کردند و پول خود را پس‌انداز کنند.

از طرف دیگر، پدر پولدار من معتقد بود که طرز تفکر پدر بی‌پول من یک تفکر سمی و خطرناک است. او آرزو داشت صاحب مشاغل شخصی خود شود و به جای صرفه‌جویی در پول، آنرا را سرمایه‌گذاری کند.

### **ریسک سرمایه‌گذاری و چهارراه پولسازی**

دیدگاه مخالف پدران بی‌پول و پولدار من در مورد جهان به بهترین وجه توسط در چهارراه پولسازی نمایش داده شده است.

### **الگوی تصویر امنیتی شغلی**

هر بخش از این چهارراه، نوع خاصی از افراد و طرز فکر را نشان می‌دهد.





**E** مخفف حقوق بگیران (Employ) است. یک کارمند یا کارگر برای امنیت شغلی، مزایا و یک حقوق ثابت آخر ماه ارزش قائل است. او برای رسیدن به این هدف، عمر و وقت خود را به یک کارفرما می‌فروشد. او ریسک را دوست ندارد و همچنین نمی‌فهمد که پول چگونه کار می‌کند. تحصیلات او سنتی است و او را برای داشتن یک کارمند یا کارگر خوب آماده می‌کند.

**S** مخفف خویش‌فرمایان (Self-Employment یا Small Business) Owner است. S برای استقلال مالی ارزش قائل است. او رئیس ندارد و برای خودش کار می‌کند. او کارفرما ندارد بلکه او خود کارفرما است. مشکل یک S این است که او نمی‌تواند مرخصی بگیرد. اگر این کار را انجام دهد، دیگر درآمدی ندارد.

**B** مخفف کلمه کسب‌وکارهای بزرگ (Big Business) است. صاحب کسب‌وکارهای بزرگ نه شغلی دارد و نه صاحب شغل. در عوض، او صاحب یک سیستم است. طرز فکر او این است که چگونه دیگران را استخدام کنم تا در سیستمی که ساخته است برایش درآمد کسب کنند. او آزادی مالی دارد زیرا قادر است کار نکند و هنوز هم درآمد داشته باشد.

**I** مخفف سرمایه‌گذار (Investor) هستم. یک سرمایه‌گذار معتقد است که می‌توان از پول برای کسب درآمد بیشتر استفاده کرد. او در استفاده از بدهی، مالیات، بیمه و موارد دیگر مهارت دارد تا از طریق سرمایه‌گذاری در دارایی غیرفعال پول کسب کند. او جهان را عرصه فرصت‌ها و فراوانی می‌داند.

## ریسک سرمایه‌گذاری در سمت راست و چپ چهارراه

### پولسازی

همانطور که می‌بینید، چهارراه پولسازی به دو طرف تقسیم شده است. E و S در سمت چپ و B و I در سمت راست قرار دارند. کسانی که در سمت چپ هستند اغلب در زمینه پول، تجارت و سرمایه‌گذاری مهارتی ندارند و از ریسک کردن به شدت می‌ترسند. با این حال، عدم مهارت‌های مالی آنها است که باعث می‌شود تجارت و سرمایه‌گذاری خطرناک به نظر برسد.

کسانی که در سمت راست هستند چگونگی کارکرد پول و سرمایه گذاری را درک می کنند و دنیا را به شکلی متفاوت می بینند. آنها معتقدند که زندگی حقوق بگیری یا خویش فرمایی در واقع بسیار خطرناک تر از داشتن یک تجارت بزرگ یا سرمایه گذاری است زیرا شما سه چیز ندارید: آموزش، کنترل و دانش.

پدر بی پول من زندگی خود را در سمت چهارراه پولسازی گذراند. پدر پولدار من زندگی خود را در سمت راست سپری کرد. پدر بی پول من تمام زندگی اش مبارزه کرد و همیشه از وضعیت مالی خود شکایت داشت؛ اما پدر پولدار من هر ساله ثروت خود را افزایش می داد و مانند بازی مونوپولی، او به مرور زمان خانه های کوچک خود را با هتل معاوضه می کرد.

من زندگی هر دو مرد را به دقت بررسی کردم. واقعاً می خواستم بدانم که چرا پدر بی پول من فکر می کرد سرمایه گذاری بسیار پرریسک است و چرا پدر پولدار من اصلاً از سرمایه گذاری ترس نداشت. در طول راه، من سه دلیل اصلی را یاد گرفتم که چرا پدر بی پول من واقعاً فکر می کرد سرمایه گذاری خطرناک است - و اینکه چرا خطر سرمایه گذاری برای او و امثال او واقعیت دارد.

### ریسک سرمایه گذاری شماره ۱: عدم آموزش مالی

من قبلاً در مورد سه نوع آموزش نوشتم: آکادمیک، حرفه ای و مالی. بیشتر افراد برای یادگیری حقوق بگیر شدن یا خویش فرمایی از طریق تحصیلات آکادمیک به مدرسه می روند. مدرسه چیزهایی مانند خواندن،

نوشتن و حساب، همه چیزهای خوب و مفید برای دنیای کار را به ما می‌آموزد. آنجا به ما می‌آموزند که چگونه براساس دستورات مافوق خود عمل کنیم و در جایی که به ما گفته می‌شود در زمان مناسب - ذهنیت یک حقوق‌بگیر - باشیم.

برخی از افراد به تحصیلات عالی ادامه می‌دهند و در مشاغل پردرآمد مانند پزشکی، وکیل یا حسابدار آموزش می‌بینند؛ اما در پایان روز آنها فقط حقوق‌بگیران پردرآمد یا خویش‌فرما هستند. تعداد کمی از افراد متمرکز بر تحصیلات آکادمیک یا حرفه‌ای، جهش را از سمت چپ چهارراه پولسازی به سمت راست انجام می‌دهند.

متأسفانه، مدرسه نحوه کارکرد پول یا نحوه کارکرد آن را به شما آموزش نمی‌دهد. در مدارس مهارت‌های لازم برای تبدیل شدن به یک صاحب مشاغل یا سرمایه‌گذار را به شما نمی‌آموزند. این مهارت‌ها دانشی است که شما عملاً در بازار کار شروع کنید و خودتان آنها را بیاموزید.

در نتیجه، بیشتر مردم به سادگی فاقد آموزش لازم برای دانستن نحوه کاهش ریسک در سرمایه‌گذاری هستند؛ و بدون آموزش و دانش، سرمایه‌گذاری خطرناک است.

خوشبختانه، شرکت پدر پولدار و نمایندگی‌های آن در اقصی نقاط دنیا وجود دارد که به شما کمک می‌کند از طریق کتاب‌ها و بازی‌ها، کلاس‌ها و کارگاه‌ها، هوش مالی خود را افزایش دهید.

## ریسک سرمایه‌گذاری شماره ۲: عدم کنترل مالی

در آخرین رکود اقتصادی بزرگ، من مطمئن هستم که بسیاری از مردم به این باور رسیدند که سرمایه‌گذاری کار خطرناکی است زیرا مشاهده می‌کنند که ارزش سهامشان سقوط می‌کند؛ و دوباره، اخیراً، من مطمئن هستم که بسیاری از مردم در طی همه‌گیری جهانی و پروس کرونا نابود شدند.

واقعیت این است که اکثر مردم یک برنامه سرمایه‌گذاری واقعی و مشخص ندارند.

در عوض، آنها سخت کار می‌کنند و پول خود را به یک "متخصص" می‌سپارند که آن را در برخی صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سهام و اوراق قرضه سرمایه‌گذاری می‌کند. مسئله این است که این نوع سرمایه‌گذاری‌ها ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند؛ زیرا شما هیچ کنترلی ندارید در واقع شما طناب نجات بازار و مدیران هستید. این یک موقعیت خطر است.

از طرف دیگر سرمایه‌گذاران موفق برای به حداقل رساندن ریسک سرمایه‌گذاری تا آنجا که ممکن است تلاش می‌کنند. در واقع، من اخیراً مقاله‌ای در مورد راهنمای پدر پولدار برای تبدیل شدن به یک سرمایه‌گذار خبره را در قالب کتابی به نام **ثروت و ثروتمند را باور کن** منتشر کردم.

به همین دلیل من در مشاغل سرمایه‌گذاری می‌کنم که در آنها قدرت تصمیم‌گیری دارم و به همین دلیل عاشق املاک و مستغلات هستم که

می‌توانم جریان نقدینگی را برای مدت طولانی از آن داشته باشم. در این حالت، من کنترل زیادی بر آنچه که برای سرمایه‌گذاری من اتفاق می‌افتد دارم.

### ریسک سرمایه‌گذاری شماره ۳: عدم دانش مالی

بیشتر ما به طور شهودی می‌دانیم که اگر یک معامله واقعی می‌خواهید، باید درون خود سیستم باشید. شما اغلب می‌شنوید که کسی می‌گوید، "من یک دوست در این کار دارم." مهم نیست که چه زمینه‌ای است. خرید ماشین، بلیط نمایش یا خرید لباس جدید می‌تواند باشد. همه ما می‌دانیم که معاملات "بر اساس اعتماد" بهتر است.

در دنیای سرمایه‌گذاری هم تفاوتی ندارد. همانطور که گوردون گکو، شخصیت شرور با بازی مایکل داگلاس در فیلم وال استریت گفت: "اگر از داخل نباشید، حتماً غریبه‌اید."

حقوق‌بگیران و افراد خویش‌فرما معمولاً از خارج سرمایه‌گذاری می‌کنند، جایی که ریسک سرمایه‌گذاری زیاد است. آنها دانش محدودی از آنچه واقعاً در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند دارند.

کسانی که به عنوان سرمایه‌گذاران حرفه‌ای فعالیت می‌کنند، اطلاعات دقیقی در مورد آنچه در داخل کسب و کار آنها یا سرمایه‌گذاری آنها می‌گذرد دارند. آنها محرک‌های اصلی تجاری یا سرمایه‌گذاری هستند و از آنجا که از اطلاعات لازم برخوردار هستند ریسک سرمایه‌گذاری آنها را بسیار کم است.

## چگونه می‌توانید ریسک سرمایه‌گذاری خود را به حداقل برسانید؟

اولین قدم برای به حداقل رساندن ریسک سرمایه‌گذاری این است که فعالانه برای تغییر ذهنیت خود تلاش کنید تا از سمت چپ چهارراه پولسازی به سمت راست بروید.

این بدان معنا نیست که شما نمی‌توانید در سمت چپ سرمایه‌گذاری کنید، اما بسیار دشوارتر است زیرا نیروهای زیادی علیه شما عمل می‌کنند، عمدتاً کنترل هر کاری بسیار دشوار است، حتی اگر آموزش و دانش داشته باشید. همچنین، از آنجا که کسانی که در سمت چپ هستند وقت خود را می‌فروشند، به ندرت در دسترس هستند در حالیکه برای مدیریت سرمایه‌گذاری‌های افراد سمت راست حاضر و ناظر هستند.

حرکت به سمت راست چهارراه پولسازی به معنای کسب آموزش و دانش صحیح و استفاده از آن است تا بتوانید در موقعیت کنترل مالی باشید. این به معنای افزایش روزانه ضریب هوشی مالی شما از طریق مواردی مانند کارگاه‌ها و سمینارها است. در نهایت، شما باید این دانش را داشته و استفاده کنید. هیچ چیز بهتر از تلاش، شکست و تلاش دوباره به ما نمی‌آموزد.

انتقال از موقعیت ریسک به موقعیت امن وقتی صحبت از سرمایه‌گذاری می‌شود، آموزش و هوش مالی را می‌طلبد. من امروز شما را تشویق می‌کنم که صادقانه به وضعیت سرمایه‌گذاری خود نگاهی بیندازید و

---

اقدامات لازم برای کسب آموزش، کنترل و دانش مالی را انجام دهید. این یکی از عاقلانه‌ترین تصمیماتی خواهد بود که می‌توانید بگیرید.





سراسر دنیا فرزندانی که از سال ۲ هزار و در ایران افرادی که در دهه ۷۰ متولد شده‌اند، "نسل هزاره" هستند.

"نسل هزاره" دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند، سرعت تایپ این نسل بسیار سریع‌تر از نسل‌های قدیمی است، آنها به جای اینکه هیجان را در صورت افراد ببینند در علامت‌های صورتکی می‌خوانند و پیام‌هایشان را به صورت نوشتاری به افراد انتقال می‌دهند. این نسل افراد صلح طلب و اهل معامله‌ای هستند که در لحظه زندگی می‌کنند و به آینده هم اهمیتی نمی‌دهند.

همچنین ارتباطات بدنی و زبانی نسل هزاره به ارتباطات مجازی، نوشتاری و لمسی تبدیل شده است؛ به طوریکه با پیام‌های مجازی و هیجان خوانی با افراد ارتباط برقرار می‌کنند.

فرزندان "نسل هزاره" براساس فضای مجازی ادبیات خاصی را برای خود طراحی کرده‌اند، همین مسئله باعث شکاف بین نسلی شده است. ایجاد این شکاف در رفتار فرزندان و والدین بروز پیدا کرده و در نهایت موجب اضطراب، درگیری و خشونت والدین می‌شود. تحقیقات نشان داده بر عکس آن چیزی که رسانه‌ها گفته‌اند که "خانواده‌ها باید فرزندان را از فضای مجازی دور کنند"، بهتر است نسل گذشته زبان نسل هزاره را بیاموزد تا بتواند با آنها ارتباط برقرار کند.

### عادات هزاره پول

همانطور که نظرسنجی‌های انجام شده می‌گوید: "۶۶ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی بر این باورند که حساب پس‌انداز آنها به

تنهایی کافی است تا ۲۰ سال دیگر به آن اعتماد کنند. " این بدان معنی است که آنها اولویت زیادی برای پس انداز پول نسبت به سرمایه‌گذاری آن دارند.

اما همانطور که سایر داده‌ها نشان می‌دهد، ترجیح داده شده به معنای کار درست نیست. همین مطالعه به نقل از Refinery 29 گزارش می‌دهد که ۸۸٪ از افراد می‌گویند که قصد دارند در سال ۲۰۱۶ بیشتر پس انداز کنند، اما تنها ۳۶٪ می‌گویند که قصد دارند هزینه کمتری صرف کنند.

### این چه چیزی را به ما نشان می‌دهد؟

بسیاری از نسل هزاره‌ها هوش مالی بسیار کمی دارند و دانش آنها در مورد پول از قوانین قدیمی پول ناشی می‌شود که دیگر کار نمی‌کنند. این تأیید می‌کند آنچه کیم قبلاً نوشته است، مبنی بر اینکه هزاره‌ها به یک بازی مالی جدید نیاز دارند درست است.

از نظر من این تحقیق بسیار نگران کننده است، زیرا در دنیای جدید پول، پس انداز کنندگان همیشه بازنده خواهند بود ... و ما نباید بزرگترین نسل خود را بازنده مالی کنیم.

### هزاره‌ها و سواد مالی

وقتی این را می‌نویسم، ماه آوریل است و ماه سواد مالی شروع می‌شود.

اما واقعیت همچنان باقی است که هزاره‌ها به شدت مایل به کسب سواد مالی از طریق آموزش مالی بهتر هستند؛ بنابراین، من می‌خواهم کمی از

تاریخ پولی را به اشتراک بگذارم و امیدوارم دوستان هزاره خود را آموزش دهم.

### تاریخچه اخیر پول

پدر بی پول من معتقد به پس انداز پول بود. او اغلب می گفت: "یک دلار پس انداز، یک دلار کسب شده است."

مشکل این بود که او به تغییر در سیاست های پولی توجه نکرد. او تمام زندگی خود را پس انداز کرد و متوجه نشد که بعد از سال ۱۹۷۱ دلار او دیگر پول نیست.

در سال ۱۹۷۱ رئیس جمهور ریچارد نیکسون قوانین پول را تغییر داد. در آن سال دلار آمریکا متوقف شد و به پول تبدیل شد. این یکی از مهم ترین تغییرات در تاریخ معاصر بود، اما تعداد کمی از مردم دلیل آن را درک می کنند.

قبل از سال ۱۹۷۱، دلار آمریکا پول واقعی بود که به طلا و نقره مرتبط بود، به همین دلیل دلار آمریکا به عنوان گواهی نقره شناخته می شد. پس از سال ۱۹۷۱، دلار آمریکا به یک کاغذ فدرال رزرو تبدیل. به جای اینکه دلار ما یک دارایی باشد، به یک بدهی تبدیل شد. امروز، ایالات متحده بزرگترین کشور بدهکار در تاریخ است که بخشی از آن به دلیل این تغییر است.

با نگاهی گذرا به تاریخ پول مدرن، می توان فهمید که چرا اهمیت تغییر ۱۹۷۱ بسیار آسان است.

پس از جنگ جهانی اول، سیستم پولی آلمان سقوط کرد. در حالی که دلایل زیادی برای این امر وجود داشت، دلیل این امر این بود که به دولت آلمان اجازه چاپ پول به دلخواه خود داده شد. سیل پول که منجر به تورم کنترل نشده شد.

مارک‌های بیشتری وجود داشت، اما آنها کمتر و کمتر ارزش پیدا می‌کردند. در سال ۱۹۱۳، یک جفت کفش ۱۳ مارک قیمت داشت. تا سال ۱۹۲۳، همین جفت کفش ۳۲ تریلیون مارک بود!

با افزایش تورم، پس‌اندازهای طبقه متوسط از بین رفت. با از دست دادن پس‌اندازهای خود، طبقه متوسط خواستار رهبری جدیدی بودند. آدولف هیتلر در سال ۱۹۳۳ به سمت صدراعظم آلمان انتخاب شد و همانطور که می‌دانیم جنگ جهانی دوم و قتل میلیون‌ها انسان را در پی داشت.

### یک سیستم جدید پول

در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم، سیستم برتون وودز برای تثبیت ارزهای جهان به کار گرفته شد. این یک استاندارد شبه طلا بود، به این معنی که ارزها توسط طلا پشتیبانی می‌شدند. این سیستم تا دهه ۱۹۶۰ که ایالات متحده واردات فولکس واگن از آلمان و تویوتا از ژاپن را آغاز کرد، خوب کار می‌کرد. ناگهان ایالات متحده بیش از کالاهای صادراتی، طلا از کشور ما خارج کرد.

برای جلوگیری از دست دادن طلا، رئیس‌جمهور نیکسون در سال ۱۹۷۱ سیستم برتون وودز را خاتمه داد و دلار آمریکا جایگزین طلا به عنوان

واحد پول جهانی شد. در تاریخ جهان هرگز پول فیات یک ملت پول جهانی نبوده است.

برای درک بهتر این موضوع، پدر پولدار من مجبور شد تعاریف زیر را در فرهنگ لغت جستجو کنم.

"پول فیات: پول (به عنوان پول کاغذی) قابل تبدیل به سکه یا گونه باارزش معادل نیست."

کلمات "قابل تبدیل به سکه نیست" من را آزار داد؛ بنابراین، پدر ثروتمندم مرا وادار کرد تا کلمه "فیات" را جستجو کنم.

"فیات: یک دستور یا عمل اراده‌ای که چیزی را ایجاد می‌کند بدون اینکه انگار بدون تلاش بیشتر است."

با نگاه به پدر پولدار پرسیدم: "آیا این بدان معناست که می‌توان از هوای پول ایجاد کرد؟"

پدر پولدار با تکان دادن سرش گفت: "آلمان این کار را کرد و اکنون ما این کار را می‌کنیم."

وی افزود: "به همین دلیل پس‌انداز کنندگان بازنده هستند." "من در فرانسه در طول جنگ جهانی دوم جنگیدم. به همین دلیل هرگز فراموش نمی‌کنم که بعد از دست دادن پس‌انداز طبقه متوسط بود که هیتلر به قدرت رسید. مردم با از دست دادن پول خود کارهای غیر منطقی انجام می‌دهند."

## فاجعه مالی احتمالی آینده

در سال‌های اخیر، دولت ایالات متحده از طریق آنچه به عنوان تسهیل کمی شناخته می‌شود، پول ایجاد می‌کند. این بدان معنی است که آنها با خرید خزانه‌داری ایالات متحده، ترازنامه بانک فدرال را تقویت می‌کنند تا نرخ بهره را پایین نگه دارند، امیدوارند که اقتصاد را از طریق این روش مصنوعی تحریک کنند. این معادل چاپ پول شما یا من برای پرداخت بدهی کارت اعتباری ما است؛ و این در حال حاضر کار کرده است ...

همانطور که بلومبرگ گزارش می‌دهد، "از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵، ارزش اسمی سهام جهانی دارایی‌های قابل سرمایه‌گذاری حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است و از بیش از ۳۵۰ تریلیون دلار به بیش از ۵۰۰ تریلیون دلار رسیده است. با این حال دارایی‌های واقعی پشت این تعداد کمی تغییر کرده‌اند و در واقع ماهیت تورم دارایی کاهش کمی را منعکس می‌کنند. اثرات تورم دارایی به اندازه تأثیر تورم مصرف‌کننده معروف‌تر است."

اثرات تسهیل کمی تقویت ترازنامه افرادی بوده است که قبلاً ثروتمند بوده‌اند، در حالیکه حقوق راکد مانده و حسابی در بازار سهام ایجاد کرده‌اند.

این بدان معناست که وقتی بورس سقوط می‌کند و هنگامی که تورم مصرف‌کننده از پول بورس به نقاط مختلف منتقل می‌شود، پس‌انداز کنندگان بازنده نهایی هستند. آنها حساب سهام را نقدی نخواهند کرد و تورم مصرف‌کننده که احتمال تورم بیش از حد خواهد داشت، پس‌انداز

خود را از بین خواهد برد. از این بدتر، ممکن است در مقطعی از زمان اتفاق بیفتد که بهبودی برای بازنشستگی غیرممکن باشد.

### با ارز همراه شوید

این بخش درس مهم دیگری را به همراه دارد، زیرا پول دیگر دارایی نیست بلکه ارز است، باید همیشه در جایی جریان یابد؛ مانند جریان الکتریکی، واحد پول مالی باید حرکت کند وگرنه می‌میرد.

پس‌انداز در اصل باعث می‌شود دارایی شما از بین برود. دلیل اینکه ما شاهد نوسانات وحشی در مکان‌هایی مانند بازار سهام، مسکن و حتی ارز رمزنگاری شده هستیم، این است که پول در حال جابجایی است. ثروتمندان این را می‌فهمند و آنها از آموزشهای مالی خود استفاده می‌کنند تا بدانند که پول، سریع و غالباً به کجا منتقل می‌شود. آنها به دنبال ضرب‌المثل قدیمی، خرید کم و فروش بالایی دارند. علاوه بر این، آنها از درآمد خود برای خرید دارایی‌هایی استفاده می‌کنند که جریان نقدی تولید می‌کنند و به طور تصاعدی ارزش خود را رشد می‌دهند.

خبر خوب این است که هرکسی اگر ضریب هوشی مالی بالایی داشته باشد می‌تواند این کار را انجام دهد. اگر شما از نسل یک هزاره هستید، من شما را تشویق می‌کنم که ذهن خود را فراتر از برنامه ضعیف مالی پس‌انداز پول خود، باز کنید. بیاموزید که پول واقعاً چگونه کار می‌کند و بیاموزید که چگونه آن را برای کار مناسب کنید. با این کار، در اقتصاد آسیب دیده امروز سود خواهید کرد.



## چهار مبانی سواد مالی

اگر شما از نسل هزاره هستید و به آینده مالی خود فکر می‌کنید، مکان خوبی برای شروع افزایش هوش مالی شما با درک چهار پایه سواد مالی است.

به طور خلاصه این موارد عبارتند از:

### • تفاوت بین دارایی و بدهی

بسیاری از مردم فکر می‌کنند که می‌دانند یک دارایی چیست. به عنوان مثال، احتمالاً فکر می‌کنید خانه شما یک دارایی است - اما اینطور نیست. حقیقت این است که اکثر سیستم‌های حسابداری، تعریف را بیش از حد پیچیده کرده‌اند. به زبان ساده، یک دارایی پول را در جیب شما قرار می‌دهد و یک بدهی پول را خارج می‌کند. این تعریف را دنبال کنید تا به نتایج خوبی برسید.

### • جریان نقدینگی در مقابل سود سرمایه‌ای

بیشتر مردم برای سودهای سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ اما ثروتمندان برای جریان نقدی سرمایه‌گذاری می‌کنند. روش دیگر بررسی آن، سرمایه‌گذاری برای سود سرمایه‌ای مانند قمار است. در این پروسه شما پول خود را سرمایه‌گذاری می‌کنید و امیدوارید که قیمت بالا رود. برعکس، ثروتمندان برای جریان نقدی سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ و اگر سود سرمایه‌ای هم داشته باشند، این یک جایزه است.

### • استفاده از بدهی و مالیات برای ثروتمند شدن

مشاور مالی شما به شما می‌گوید بدهی بد است و مالیات اجتناب‌ناپذیر است؛ اما ثروتمندان می‌فهمند که از بدهی و مالیات می‌توان برای ایجاد ثروت بسیار زیاد استفاده کرد. وقتی صحبت از بدهی می‌شود، دو نوع وجود دارد: بدهی خوب و بدهی بد. بدهی خوب بدهی است که برای خرید دارایی مانند اجاره املاک استفاده می‌شود. بدهی بد برای خرید بدهی مانند استفاده از کارت اعتباری برای تأمین بودجه تعطیلات استفاده می‌شود.

#### • تصمیمات مالی را خود بگیرید

وقتی از دانش خود در مورد پول اطمینان ندارید، به دیگران اجازه می‌دهید تصمیمات مالی شما را برای شما بگیرند. شما به کارگزار خود اجازه می‌دهید تصمیم بگیرد که چگونه پول شما سرمایه‌گذاری شود. شما اجازه می‌دهید بانکتان به شما بگوید چه نرخ بهره‌ای ارزش پول شما را دارد. شما از هر روشی که در اخبار محبوب باشد پیروی می‌کنید. کلید ایجاد ثروت زیاد، داشتن دانش عالی برای عمل و خرد عالی برای دانستن اینکه کدام یک از اقدامات بهترین است. این نوع دانش و خرد فقط از طریق هوش مالی حاصل می‌شود که از طریق کسب مهارت‌های مالی قابل دریافت است.

## فصل ۳

### چگونه جلوی تنبلی خود را بگیریم؟

برای رسیدن به اهداف ثروت خود سخت‌کوشی، تحصیلات مالی و ذهنیت رشد لازم است

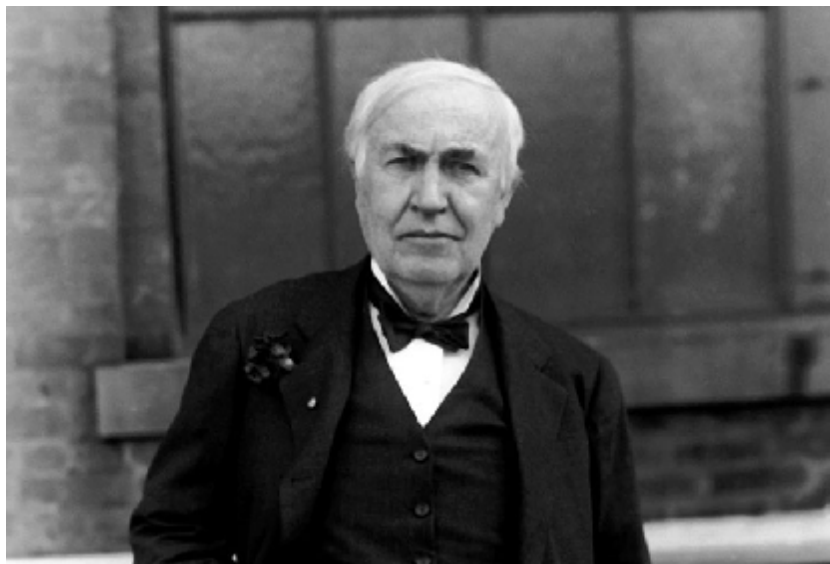


اغلب می‌شنوید که مردم می‌گویند: "آنها فقیرند زیرا تنبل هستند." منظور مردم این است که برای ثروتمند شدن کار سخت لازم است. مسئله این است که فقط تا حدی درست است. ثروتمند شدن کار سخت می‌خواهد، اما به هوش مالی و ذهنیت هوشمند نیز نیاز دارد.

### تنبلی با یک ذهنیت ضعیف شروع می‌شود

اولین چیزی که باید مشخص کنم منظور من از تنبلی است. بیشتر افراد تنبلی و پرهیز از کار را برابر می‌دانند. مشکل این تعریف این است که بسیاری از افرادی که سخت کار می‌کنند از تنبل‌ترین افرادی هستند که می‌شناسم.

همه ما داستان آن تاجر نگون‌بخت را شنیده‌ایم که برای بدست آوردن پول سخت کار می‌کند، آخر هفته‌ها ساعت طولانی را در شرکت می‌گذراند و حتی گاهی کار را به خانه می‌آورد و در حالیکه همسر و فرزندان او را ترک می‌کنند. او به جای بهبود روابط خانوادگی خود، در محل کار مشغول بود.



توماس ادیسون: میزان شکستهای شما، شاخصی برای موفقیت شماست.

امروز، من با افرادی ملاقات می‌کنم که بیش از حد تنبل هستند که حتی نمی‌توانند از عهده مراقبت از پول، سلامتی و خانواده خود برآیند یا تحصیلات مالی را کسب کنند. آنها سخت کار می‌کنند، اما این واقعاً راهی برای مشغول ماندن است تا مجبور نشوند با موارد مهم‌تری روبرو شوند. آنها تنبل هستند. هیچ کس مجبور نیست به آنها بگوید. در اعماق وجودشان آنها می‌دانند و اگر آن را برایشان مطرح کنید بسیار عصبی می‌شوند.

و اگر آنها هم مشغول به کار مشغول نباشند، مشغول تماشای تلویزیون، ماهیگیری، گلف بازی یا خرید هستند. آنها برای جلوگیری از پرداختن به موارد مهم زندگی مشغول می‌مانند و الکی سر خود را گرم می‌کنند.

داشتن یک زندگی کامل و موفقیت اقتصادی به این معنی است که شما نه تنها باید سخت کار کنید بلکه برای امور درست نیز باید کار کنید. این باید تصویری کامل از این باشد که شما چه کسی هستید و می‌خواهید چه کسی باشید. شما باید سخت‌کوش در بهبود روابط خود، خانواده، سلامتی، ذهن و تحصیلات و باشید.

اگر فقط در یک قسمت از زندگی خود سخت کار می‌کنید، در همه موارد دیگر تنبل هستید.

چیزی که برندگان را از بازندگان جدا می‌کند، این است که شخص چگونه به هر تغییر تازه واکنش نشان می‌دهد.

اگر این موضوع برای شما درست است، ضروری است که بر تنبلی غلبه کنید تا از نظر پول و زندگی ثروتمند شوید؛ بنابراین سؤال این است که چگونه بر تنبلی غلبه کنید؟

### **غلبه بر تنبلی با ایجاد ذهنیت رشد شروع می‌شود**

در دنیا دو نوع انسان وجود دارد: کسانی که ذهنیت ثابت دارند و افرادی که ذهنیت پویا دارند.

یک ذهنیت ثابت به شرایط نگاه می‌کند و می‌گوید: نمی‌توان آن را انجام داد، یا راهی وجود ندارد که من هرگز مانند آن شخص موفق باشم. یک ذهنیت ثابت به جای تمرکز بر روشی که به موفقیت منجر می‌شود، شما را به روشی در حواشی کار گیر می‌اندازد.

یک ذهنیت پویا، رشد پذیر است. این ذهنیت درها را به روی افکار سازنده دیگران باز می‌کند و با این روش به طور مداوم تلاش می‌کند هر روز بهتر باشد. این یک روش هیجان‌انگیز برای زندگی است.

اغلب، متوجه می‌شویم کسانی که تنبل هستند، واقعاً از یک مشکل ذهنی ثابت و بسته رنج می‌برند. به عبارتی از آنجا که آنها نمی‌توانند آینده‌ای متفاوت از واقعیت خود را تصور کنند، تعطیل شده‌اند. آنها نمی‌توانند حالت عالی و دویدن در ماراتن را تصور کنند، بنابراین کاملاً دویدن را متوقف می‌کنند. آنها نمی‌توانند ثروتمند بودن را تصور کنند، بنابراین در مورد پول یاد نمی‌گیرند و به زندگی حقوق‌بگیری بسنده می‌کنند.